



## کارآفرینی فرهنگ و چالش‌های پیش‌رو

کارآفرین بودن به‌تنهایی با مشکلات بسیاری همراه است. یک کارآفرین برای موفقیت و به ثمر رساندن طرح‌های مبتکرانه خود نیازمند تلاش و کوششی چندین برابر مردم عادی است. از طرفی کار در حوزه‌های فرهنگی نیز همواره فعالیتی شناخته شده که نیاز به پشتکار و تلاش خستگی‌ناپذیر دارد. روشن است که تلاش‌های کارآفرینانه در حوزه فرهنگ نیازمند پشتکار و جدیت و تلاشی بسیار بیشتر است و پاداش ناشی از آن با همان معیارهایی سنجیده می‌شود که درباره سایر فعالیت‌های فرهنگی به کار می‌رود. بسیاری از اقداماتی که برچسب کارآفرینی خورده‌اند را با اندکی موشکافی می‌توان از فهرست این نوع فعالیت‌ها خارج ساخت، چرا که تنها فعالیت‌های اقتصادی متعارف هستند. در حالی که هر نوع فعالیت کارآفرینی همراه با مخاطرات بسیار و گرفتاری‌های اجرایی فراوانی است که دستیابی به موفقیت اقتصادی را دور از دسترس نشان می‌دهد. پس چرا باید از کارآفرینی در حوزه فرهنگ صحبت کرد؟ چگونه می‌توان افراد را قانع کرد که به جای صرف وقت و سرمایه خود در اموری که به‌سرعت سود تضمین شده و بدون دردسر برمی‌گردانند، خود را درگیر فعالیت‌های کارآفرینی کنند و در این میان هدف غایی خود را فرهنگ در نظر بگیرند؟ این توصیه با معیارهای رایج اقتصادی سازگاری دارد؟

پاسخ ساده و بی‌دردسر چنین پرسش‌هایی روشن است و بسیاری از افراد که به دنبال فعالیت راحت و ثمره تضمین شده هستند، از ابتدا خود را درگیر اموری نمی‌کنند که ما آن‌ها را به‌عنوان کارآفرینی می‌شناسیم. این افراد در سنگتگیرانه‌ترین حالت داشته‌های مادی خود را صرف خرید املاک یا دارایی‌های منقولی می‌کنند که طی سال‌ها سودآوری ضمانت‌شده‌ای را ابراز داشته‌اند؛ پس چنین پرسشی از اساس برای این نوع افراد طراحی نشده است.

کارآفرینان بر مبنای سابقه و تاریچه‌ای که در همه دوره‌ها از خود به‌جا گذاشته‌اند افرادی پرنگیزه و نیروبخش هستند که نشاط و تحرک را به فعالیت‌های خود و همه همراهان در آن فعالیت تزریق می‌کنند و به جای مسیر تضمین‌شده‌ای که همیشه طی می‌شده، به دنبال افق‌های تازه و خلق چیزهای جدید هستند. این مسیر بدون شک با افراد محافظه‌کاری که به دنبال ضمانت موفقیت در همه اقدامات خود هستند طی نخواهد شد. از طرفی فعالان حوزه فرهنگی نیز عاشقان بی‌ادعایی هستند که جور کارهای سخت فرهنگی را برای دریافت نتایج درازمدت همگانی به‌جان خریده و اشتیاق تغییر و یا بهبود سطح فرهنگ جامعه را جایگزین برق ثروت آنبوه حوزه‌های دیگر کرده‌اند. روشن است که این دسته از افراد در ذات خود بسیاری از ویژگی‌های یک کارآفرین را دارند.

متأسفانه طی سال‌های طولانی، کار در حوزه فرهنگی به معنای پیروی از چند دستورالعمل ساده و مشخص بوده و روح حساس فعالان این حوزه در تلاطم حوادث روزمره چنان آشفته شده که توان و ظرفیت بزرگ خود برای خلق افق‌های جدید در این حوزه را فراموش کرده‌اند. جای بسی تأسف است که دیده می‌شود کلایه‌های فعالان حوزه فرهنگ مظلوم به مسائل اقتصادی شده است. مشکلات عمومی و گرفتاری‌های خاص برخی از اقشار جای انکار ندارد اما مغلوب شدن به‌ویژه برای اهالی حوزه فرهنگ، جای تامل و نگرانی دارد.

باور این نکته سخت است که اذهان بیدار و پرسشگر متصدیان حوزه‌های فرهنگی نتواند راه‌های تازه‌ای برای کسب ثروت و خلق عرصه‌های جدید فعالیت بیافریند. اعتماد بیشتر به داشته‌ها، تغییر زاویه نگاه، همکاری با صاحبان تخصص‌های مربوط به اقتصاد و بازار، و توجه به آنچه اقتصاد فرهنگ نامیده می‌شود، حتما در این زمینه کارساز است. همه ما بخش بزرگی از رفتارها، تصمیمات، شیوه برخورد و... خود را متأثر از تولیدات و اقدامات فعالان فرهنگی می‌دانیم، و فعالان این حوزه باید باور داشته باشند که وقتی قادر به خلق عناصر تاثیرگذاری هستند که منش و روش بسیاری از افراد را دچار تغییرات بنیادین می‌کنند، پس قادر به تاثیرگذاری فعالانه‌تر بر اقتصاد این حوزه نیز هستند. این باور همان نقطه شروع بزرگی است که کارآفرینان امروزی را ساخته است. حوزه فرهنگ و اقتصادی مبتنی بر آن در سرزمین پهناوری که پیشینه فرهنگی غنی و استواری دارد، بدون شک میدان بزرگی برای فعالیت دارد که نیازمند حضور ذهن‌های بیدار، لیسوز، و تحول‌آفرین است. تجربه نشان داده که این فعالیت‌ها تعطیل نخواهند شد، اما حضور پرنگیزه صاحبان واقعی این حوزه به این فعالیت‌ها رنگ و جلائی دلپذیری می‌دهد.

## ابتکاری برای خنک‌سازی ساختمان‌ها در مناطق خشک

ابتکارهای ساده گاهی منجر به درآمدهای کلان می‌شوند. یک نمونه از این ابتکارها تولید خنک‌سازی طبیعی ساختمان‌ها در مناطق خشک است. یک شرکت معماری ایرانی به نام BMDesign Studios با طراحی سقف‌های مقعر، یک سیستم دوسقفه برای جمع‌آوری و ذخیره آب باران و افزایش خنک‌سازی طبیعی طراحی کرده است. سقف مقعر برای محیط‌های خشک مهندسی شده که در آن جمع‌آوری آب باران با توجه به نرخ بالای تبخیر و بارش سالانه کم، امری دشوار است. سیستم دوسقفه که شامل یک سقف گنبدی در زیر حوضه آبریز کاسه‌مانند است به این منظور طراحی شده که حتی کم‌ترین مقدار باران را جمع و به ذخیره زیادی تبدیل کند.

# آزمایش

می‌توانیم از صفر شروع کنیم



یکی از کارهای ما این بود که فروشگاه صنایع دستی را در مجموعه افتتاح کنیم تا بازدید کنندگان به راحتی بتوانند محصولات صنایع دستی بومی را خریداری کنند.

## گفت‌وگو با مهین شمسی‌خانی، کارآفرین حوزه گردشگری

# بوم‌گردی در قاسم‌آباد، کسب‌وکار من است

فاطمه علی اصغر

روزنامه‌نگار

جدای آنچه به صورت آکادمیک خوانده است فعالیت کند و این نقطه آغاز زندگی متفاوت او بود. او گریز می‌زند به آن روزها: «در دوران دانشگاه ما یک گروه دوستانه کوهنوردی داشتیم. در سفرهایی که به روستاهای مختلف می‌رفتیم با مردم محلی ملاقات می‌کردیم و پای صحبت‌های آن‌ها می‌نشستم. یک بار که به سیستان و بلوچستان سفر کرده بودیم، مهتاب نوروزی سوزن‌دوز را دیدم. از نزدیک با مشکلات و مسائل او آشنا شدیم. این اتفاق چنان تاثیری بر ما گذاشت که تصمیم گرفتیم با همگروه‌هایمان کارهایی در زمینه کمک به صنایع دستی ایران انجام دهیم.» مهین فعالیت در زمینه احیای صنایع دستی ایران را همان سال‌ها آغاز می‌کند. نخستین قدمی هم که برمی‌دارد، آغاز مطالعه و پژوهش در این زمینه است: «برای اینکه بتوانم قدم‌های استواری در زمینه احیای صنایع دستی بردارم، کتاب خواندم و جمع‌آوری اطلاعات در این حیطه گسترده را در برنامه کاری خودم قرار دادم. همین زمان‌ها هم بود که از تهران به جنوب رفتم،» کار همسرش باعث می‌شود او سال ۸۸ راهی خرمشهر شود. چند سالی را آنجا به تحقیق و بررسی می‌گذراند تا اینکه تصمیم می‌گیرد با همسرش به روستای قاسم‌آباد گیلان برای زندگی و آغاز فعالیت‌های بوم‌گردی و گردشگری برود: «در این مدت کلاس‌های تورگردانی رفتم. در پیگیری‌هایم متوجه شدم تعدادی از روستاهای جنوبی و شمالی ایران برنامه بوم‌گردی را اجرا می‌کنند، با این حال هنوز گیلان و روستای قاسم‌آباد فاقد خانه‌های بوم‌گرد بود. بنابراین سال ۹۲. من و همسرم راهی گیلان شدیم تا ایده‌هایمان را به صورت جدی اجرایی کنیم.»

در راه گيله آن‌ها راهی روستای قاسم‌آباد می‌شوند. خانه‌ای می‌خرند و فعالیت‌های گردشگری خود را در این روستا آغاز می‌کنند. کارهای آن‌ها دو بخش می‌شود، تهیه اقامتگاه و فعالیت در زمینه احیای صنایع دستی روستاهای گیلان و زنده کردن آداب‌وسوم از یادرفته. مهین می‌گوید: «در ابتدای کارمان تلاش کردیم مواد اولیه تولید صنایع دستی مانند پارچه و شال و... را برای تولیدکنندگان فراهم کنیم، از طرف دیگر اقامتگاهی مطابق با برنامه‌های بوم‌گردی‌مان بسازیم.» گام بعدی آن‌ها آشنایی با مشاغل بومی منطقه بود. آن‌ها توانستند این مشاغل را شناسایی کنند و برای آن جایی در برنامه‌شان باز کنند و آن را کنار برنامه‌های طبیعت‌گردی خود قرار دهند. مرحله بعدی برای آن‌ها این بود که محصولات تولیدشده را در فضایی به فروش برسانند. «یکی از کارهای ما این بود که فروشگاه صنایع دستی را در مجموعه افتتاح کنیم تا بازدیدکنندگان به راحتی بتوانند محصولات صنایع دستی بومی را خریداری کنند و از مردم و به‌ویژه خانم‌های روستایی خواستیم محصولات پارچه‌بافی سنتی خود را که آن‌ها را با لیاف طبیعی احیا کرده بودند اینجا به فروش بگذارند.» آن‌ها مسیری برای طبیعت‌گردی و پیاده‌روی در روستا مشخص می‌کنند و در این مسیر سعی می‌کنند مولفه‌های بومی را در جای‌جای راه به مسافران نشان دهند تا تصویر ویژه و کاملی از تاریخ و فرهنگ مردم آنجا در گنجینه خاطرات مسافران جای بگیرد.

دستاور در عایت اصول و قوانین

مهین که از اشتیاق پر است و مهربانی در جانش سرشته حالا تمام

تلاش خود را می‌کند که به زنان روستا هم یاری برساند: «تعدادی از زنان روستا کار آشپزی را برای مجموعه ما انجام می‌دهند. بخش‌های خدماتی هم به چند خانم دیگر سپرده شده. این‌ها نیروهایی هستند که ما به صورت مستقیم با آن‌ها کار می‌کنیم اما بخش عمده کار ما با کارگاه‌های صنایع دستی است. حدود ۱۵ کارگاه به صورت مستمر برای ما کار تولید می‌کنند. مجموعه ما صنایع دستی روستاهای رشت و لاهیجان را پوشش می‌دهد.» او توانسته در این مدت بسیاری از کارهای سخت را آسان کند: «در گشت‌های منطقه‌ای ما با آدم‌های مختلفی ارتباط برقرار کردیم که به صورت غیرمستقیم برای ما کار تولید می‌کنند. به واسطه این کار یکسری از مشاغل خرد هم فعال شدند. سه سال فعالیت کردیم تا بتوانیم اصول کار را به‌خوبی بیاموزیم و رعایت کنیم. بحث احیای جوامع محلی یکی از اهداف ما بود که خوشبختانه تا امروز توانسته‌ایم در حد خودمان در راستای این هدف گام برداریم.» یکی از دغدغه‌های بسیاری از کسانی که می‌خواهند کار را شروع کنند، نداشتن سرمایه اولیه است. مهین می‌گوید: «ما هیچ‌وقت از سازمان‌های دولتی تقاضای کمک نکردیم. با اینکه مجوزهای دولتی داریم اما سعی کردیم به‌خودمان متکی باشیم و آرام‌آرام کارها را پیش ببریم.» این نگاه مستقل برای آن‌ها نیروی مضاعفی بود تا کارهایشان را خودجوش پیش ببرند: «خوشبختانه گیلانی‌ها به مهمان‌نازی معروف‌اند. شاید برای همین بود که ما استان گیلان را انتخاب کردیم. ارتباط برقرار کردن با روستایی‌ها برای ما دشوار نبود، چون از اول هدف ما ایجاد فضایی برای سود دوطرفه بود. آن‌ها هم وقتی دیدند ما صداقت داریم با ما همراه شدند.» مهین اما تأکید می‌کند: «البته این را هم نباید فراموش کرد که ما اصول و قوانین خاصی در کارمان داریم. از اول بنا را بر این گذاشتیم که نباید حضور گردشگران برای محلی‌ها و محیط‌زیست دردسرساز شود و امروز دستوراد کارهایمان را می‌بینیم.»

چرا اقامتگاه را گسترش نمی‌دهند؟

«همیشه سعی می‌کنیم در مناسبت‌هایی چون چهارشنبه‌سوری، شب یلدا و دیگر مراسم سنت‌ها و رسوم را با جزئیاتش برگزار کنیم. حتی طی این مدت مراسم‌هایی که فراموش شده بودند و دیگر محلی‌ها اجرایشان نمی‌کردند را هم احیا کردیم. در گیلان آیین‌های پاسداشت آب دارند که از یادرفته بود اما با کمک روستایی‌ها این مراسم را دوباره زنده کردیم.» مهین از احیای این مراسم با شادی سخن می‌گوید. و از اینکه نمایی که جزو حرفه‌های منسوخ‌شده بود و حالا جایی تازه گرفته: «شاید باورناتر نشود، امروز دیگر ما مشکل تولید داریم. سفارش‌هایمان زیاد است و تولیدمان کم. برای همین جوانان را تشویق می‌کنیم بیایند و رشته‌های سنتی فراموش‌شده را دوباره از سر بگیرند.» این کارآفرین از تغییر اهداف اولیه با توجه به شرایط تجربه‌شده طی این مدت فعالیت در استان گیلان می‌گوید: «ما در ابتدای کار می‌خواستیم ظرفیت‌هایمان را افزایش دهیم و به اقامتگاه‌های اولیه اضافه کنیم اما دیدیم بهتر است به جای افزایش ظرفیت، کیفیتمان را بالا ببریم. خلایقیت بیشتری در کار داشته باشیم و با مطالعه و گرفتن تجربه‌های داخلی و خارجی کارمان را به بهترین شکل اجرایی کنیم.» حالا بسیاری از مسافران اقامتگاه بوم‌گردی آن‌ها را می‌شناسند. در این مدت مهین به همراه همسرش توانسته کارهای بزرگی در قاسم‌آباد انجام دهد. آن‌ها زوجی هستند که عاشقانه دل به طبیعت و فرهنگ داده‌اند و همراه با زنده کردن فرهنگ و پاسداشت طبیعت رونق به کار خود بخشیده‌اند. مهین می‌گوید: «ما تمام آخر هفته‌ها کار می‌کنیم و سرمان شلوغ است. تنها زمان‌هایی که فرصت کوهنوردی داریم وسط هفته‌هاست که به‌هیچ‌عنوان این زمان‌ها را از دست نمی‌دهیم. با هم می‌زنیم به دل جنگل و راه می‌رویم، راه می‌رویم، و راه می‌رویم.»

دکتر مریم نگهبان، مخترع آفت‌کش‌های گیاهی:

## کارآفرینان را از هزار توی مقررات اداری نجات دهید!

جدید افزایش یابد. اینکه حوزه فرهنگی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی تصمیم گرفته با کارفرمایان، کارآفرینان و مخترعان ارتباط و تعامل برقرار کند و تجربیات آنان را مستندسازی کند، باید به فال نیک گرفت. جامعه کارآفرین قشری فرهیخته است و معتقد این تعاملات باعث تغییر نگاه و نگرش مسئولان سازمان‌های مختلف و ازجمله سازمان تامین اجتماعی به کارفرمایان و کارفرمایان خواهد شد. «وی می‌افزاید: «متأسفانه کارکنان برخی شعب تامین اجتماعی هنوز با جایگاه تولیدکنندگان و اهمیت کاری که آن‌ها و کارآفرینان در جامعه انجام می‌دهند آشنا نیستند و شاید هنوز به این باور نرسیده‌اند که منابع تامین اجتماعی از محل پرداخت حق بیمه توسط همین کارفرمایان تامین می‌شود. برای همین هم کارفرمایان و کارآفرینان در مواردی از نحوه برخورد با کارکنان شعب تامین اجتماعی شکایت‌هایی دارند که باید مورد توجه قرار بگیرد.»

نگهبان، با ذکر نمونه‌ای از مقررات تامین اجتماعی که باید در ارتباط

با مشاغل نوپیدی چون شرکت‌های دانش‌بنیان مورد بازنگری قرار بگیرد، می‌گوید: «اهمیت کار کارکنان شرکت‌های دانش‌بنیان پژوهشی و آزمایشگاهی آن است که تعداد زیادی از کارکنان این شرکت‌ها به دلیل ضرورت‌های شغلی مجبورند بخشی از وقت خود را خارج از دفتر مرکزی شرکت و در آزمایشگاه‌ها بگذرانند. این موضوع هنگام مراجعه بازرسان تامین اجتماعی مشکلات مختلفی را به وجود می‌آورد. امیدوارم از طریق آموزش کارکنان و فرهنگ‌سازی این مشکلات به‌مرور رفع شود.»

تولیدات اصلی شرکی که توسط نگهبان تاسیس شده انواع آفت‌کش‌های گیاهی فرموله‌شده به صورت امولسیون میکرو و نانوکپسوله‌شده به شکل پودر، قرص و اسپری برای اقات مختلف کشاورزی است که استفاده از این آفات، ضمن حفظ محیط‌زیست و تولید محصولات کشاورزی سالم و بی‌خطر، احتمال آسیب‌های ناشی از استفاده از سموم شیمیایی برای کشاورزان و کارگران را نیز حذف می‌کند. دکتر مریم نگهبان، در جشنواره نوآوری و شکوفایی بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۹۱ به سبب کاربردی کردن آفت‌کش‌های گیاهی به‌عنوان جایگزین سموم شیمیایی با همکاری چند تن دیگر از نخبگان و ثبت چهار سم گیاهی، موفق به دریافت مدال طلای بین‌المللی بخش خارجی این جشنواره شد. این مخترع جوان متولد سال ۱۳۵۹ شیراز است. او پس از طی دوران دبیرستان وارد دانشگاه شد و با ادامه تحصیل در رشته گیاهشناسی و خوشمشناسی موفق به دریافت مدرک کارشناسی ارشد و پس از آن مدرک دکتر در رشته گیاهشناسی و خوشمشناسی در دانشگاه تربیت مدرس تهران شد.

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی به‌منظور شناسایی مسائل، مشکلات و چالش‌های حوزه تولید و کارآفرینی و ثبت و مستندسازی تجربیات کارفرمایان و کارآفرینان و مخترعان، مدتی است دیدار و گفت‌وگو با کارآفرینان و مخترعان برای استفاده از تجربیات آنان در تسهیل مقررات و سازوکارهای تعامل با جامعه کارفرمایی را مورد توجه قرار داده است. گزارشگر هفته‌نامه آیین‌نو نیز این هفته با کارشناسان دفتر فرهنگی و اجتماعی کارفرمایان و سازمان‌ها همراه شد و به دیدار بانوی جوانی رفت که از سرامدان تولید سموم غیرشیمیایی مورد استفاده در بخش کشاورزی است. دکتر مریم نگهبان، که در ۳۵ سالگی عنوان مخترع، کاشف و کارآفرین برتر و مقام اول جشنواره ملی فن‌آفرینی شیخ بهایی را از آن خود کرده، معتقد است که اگرچه حمایت از کارآفرینی و کارآفرینان در قوانین مختلف و دستورالعمل‌ها مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، اما هنوز سازوکارهای اجرایی و سیستماتیک برای حمایت از فرهنگ کارآفرینی و تسهیل مقررات برای کارآفرینان در بسیاری از سازمان‌ها و نهاد تعریف و اجرایی نشده است.

نگهبان، دانشمند جوان رشته گیاهشناسی و خوشه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، که تاکنون از هیچ کمک مادی دولتی استفاده نکرده و به گفته خود برای ثبت محصول تولیدی‌اش متحمل سختی‌های فراوانی شده است، می‌گوید: «متأسفانه ارتباط ساختاری منسجم و سیستماتیک میان برخی مراکز دولتی، که باید پشتیبان و حمایت‌کننده مخترعان و تولیدکنندگان باشند، وجود ندارد و هریک از این مراکز دارای عملکردهای جزیره‌ای و گاه متضاد با سایر مراکز هستند. مثلاً برای ثبت سموم بیولوژیک، ما